

# نبرد زن

نشریه

## دسته هشت مارچ زنان افغانستان

گاهنامه زنان

دور اول

شماره (۲۶)

ثور ۱۳۹۴ ( MAY 2015 )

### "خشم زنان را به مثابه نیروی قدرتمندی در راه انقلاب رها کنیم!"

یکی از بهانه های فریب کارانه امپریالیست های امریکائی وانگلیسی برای تجاوز به افغانستان و اشغال این کشور، از بین بردن شئوونیزم غلیظ مرد سالارانه امارت اسلامی طالبان و تامین حقوق زنان بود... علاوه تا ادعای مذکور به خاطر یکی بهانه فریبکارانه بود که آنها به جای امارت اسلامی طالبان، رژیم دست نشانده ای را روی کار آوردند که نیروها و شخصیت های مرد سالار شئوونیزم، بخش اعظم ترکیب آتراتشکیل داده اند. بیش از این نیروها و شخصیت های ارتجاعی و اساس سیاست های شان، صرف نظر از تفاوت های جزئی، در واقع همان بینش و سیاست های طالبان است. به همین جهت با اشغال افغانستان توسط امپریالیست های امریکائی و متحدین شان و روی کار آمدن رژیم دست نشانده آنها، مسئله زنان به مثابه گروگانی در دست اشغالگران و رژیم پوشالی برای توجیه اشغال کشور و خیانت ملی مورد استفاده قرار گرفت، بدون اینکه کدام تفاوت اساسی در وضعیت توده های وسیع زنان بوجود آمده باشد.

البته هویداست که یک قشر کوچک زنان خیانت پیشه، توسط اشغالگران و رژیم پوشالی پرورنده شده و بصورت نمایشی بروی صحنه آورده شده است تا زن ستیزی بنیادگرایان حاکم در رژیم دست نشانده را پوشاند و سندی گردد برای ثبوت ادعاهای فریبکارانه تامین حقوق زنان. افراد شامل در این قشر کوچک پرورنده شده توسط اشغالگران و رژیم دست نشانده، نه تنها به وزارت و کالت رسانده شده اند، بلکه به مثابه سرمایه داران دلال تازه به دوران رسیده به بازار راه یافتند.

اما در مقابل این قشر کوچک دست پرورده، توده های وسیع زنان قرار دارند که وضع شان بادوره امارت اسلامی طالبان کدام فرق اساسی نکرده است... جنبش زنان یک جنبش مبارزاتی حق طلبانه و عادلانه ضد شئوونیزمی و ضد ستم است و نباید اجازه داد به مثابه گروگانی توسط اشغالگران و خائنین ملی مورد سوی استفاده قرار گیرد... اکیدا باید خاطر نشان سازیم که این جنبش مبارزاتی ولواینکه نهایتا در تابعیت از وظیفه مبارزاتی عمده یعنی مبارزه و مقاومت علیه اشغالگران و خائنین ملی، پیش برده شود، اما در هر حال یکی از مبارزات مهم در سطح کل جامعه بوده و هرگز نباید به فراموشی سپرده شود و هرگز نباید به عنوان یک وظیفه مبارزاتی حاشیه بی در نظر گرفته شود.

صفحه

مقالات مندرج این شماره شامل سه محفل ذیل است:

روز اول می. روز جهانی. روز همبستگی کارگران مبارک باد! ۲

۳

وضعیت زنان در جامعه ما

۴

نقش و سهم زنان در انقلاب

۵

مسئول قتل قرحنده اشغالگران امپریالیست و ....

۸

آزادی یا اسارت

۱۰

مسئول این همه جنایت کیست؟

۱۱

پیام بر تولد برشت

۱۲

گزارش برگزاری روز جهانی کارگر

۱۴

زنجیر نان (شعر)

۱۴

دهقان (شعر)

## روز اول می روز جهانی روز همبستگی کارگران مبارک باد!

و ضد توده ای اشغالگران ورژیم پوشالی به مقاومت بر می خیزند.

دسته هشت مارچ زنان افغانستان قویا به این باور است که برای از بین بردن تمام این مصیبت ها و تامین استقلال سیاسی افغانستان باید نیروهای اشغالگر بدون قید و شرط و هر چه سریعتر از افغانستان خارج شوند. این امر ممکن نیست مگر اینکه توده ها به مقاومت ملی مردمی و انقلابی همه جانبه روی آورند. پیروزی مقاومت ملی مردمی و انقلابی منوط به رهبری پیش آهنگ انقلابی طبقه کارگر و ایجاد جبهه متحد ملی از تمامی زحمتکشان و نیروهای ملی و انقلابی است. اگر این ابزار وجود نداشته باشد بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم پوشالی امکان پذیر نیست و مقاومت توده ها به شکست می انجامد. باز هم نیروهای ارتجاعی در پیوند تنگاتنگ با امپریالیزم بر سر نوشت توده ها مسلط می گردند و زنجیرهای سیاسی، اقتصادی بصورت محکمتر بر دست و پای شان می پیچد.

جنگ مقاومت علیه سوسیال امپریالیزم روس بخوبی بیانگر این مدعا است.

پیش به سوی مقاومت ملی مردمی و انقلابی تحت رهبری پیش آهنگ انقلابی

مرگ بر اشغالگران

مرگ بر رژیم دست نشانده

دسته هشت مارچ زنان افغانستان

اول می ۲۰۱۵ مطابق به ۱۱ ثور ۱۳۹۴ خورشیدی

روز اول می روز جهانی کارگر بار دیگر فرا رسید. روز اول می در حالی فرا رسید که رژیم پوشالی توافقنامه ننگین امنیتی را با امپریالیزم امریکا امضاء نموده و افغانستان را برای مدت طولانی به اشغالگران امریکایی فروخت.

از نظر دسته هشت مارچ زنان افغانستان امضای ننگین توافقنامه امنیتی جز میهن فروشی چیز دیگری نمیتواند باشد.

دسته هشت مارچ زنان افغانستان نه تنها این پیمان ننگین را به شدت تقبیح می نماید بلکه با صراحت اعلام می دارد که این توافقنامه امنیتی در ضدیت با منافع مردمان ستمدیده این کشور قرار داشته و از این لحاظ در نزد توده های ستمدیده افغانستان هیچگونه مشروعیت و قانونیت نداشته و ندارد.

تقریباً چهارده سال از اشغال افغانستان و عمر رژیم دست نشانده می گذرد. دوران این چهارده سال به خوبی نشان داده است که وضعیت زندگی توده های ستمدیده اعم از زن و مرد روز به روز وخیم تر گردیده است. صف بیکاران طویل تر گردیده است. گرچه ۲۰ فیصد از فارغان صنوف دوازدهم به پوهنتون ها راه میابند اما بعد از دوران فراغت فاقد اشتغال اند. اکثریت مطلق این محصلین به صفوف کارگران پرتاب می شوند و صف کارگران بیکار را طویلتر می سازند.

ستم جنسی و تجاوزات گروهی و غیر گروهی، قتل و سوزاندن زنان بر دیگر مصائب افزوده گردیده، این وضعیت خشم و نفرت توده های ستمدیده و بخصوص زنان را نسبت به اشغالگران و رژیم دست نشانده بیش از حد شدت بخشیده، آنها علیه سیاست های ضد انسانی

## وضعیت زنان در جامعه ما

من، ای دخت دلیر قهرمان خلق میدانم

که زنجیر اسیران ستم مردانه بشکستی

و با آهنگ رقص آتش اندر کاخ دد خویان این مامن

بپاس رنج مردم - اخگر افکندی

آیدا "دانش"

زنان جزء پیکر جامعه بوده و نصف نفوس جامعه را تشکیل می دهند، آنها می توانند مانند مردان بکارهای اجتماعی - سیاسی و فرهنگی سهم شوند و در این زمینه سهم ارزنده خویش را ادا نمایند.

زنان دارای خلاقیت و ابتکار بوده، این جامعه مرد سالار است که این خلاقیت و ابتکار را در نهاد زنان خفه نموده است. زنان باید روی پای خود بایستند و ثابت سازند که مانند مردان می توانند برای رشد و شگوفایی و تغییر اذهان و جامعه سهم به سزایی را ادا نمایند.

در جامعه ما زنان نه تنها می توانند در تمامی شئون زندگی اجتماعی سهم ارزنده ای ایفا نمایند بلکه در زمینه های نظامی نیز دارای خلاقیت و ابتکاراند. هر گاه به گذشته تاریخی کشور نظری بیندازیم به خوبی دیده می شود که زنان در جبهات جنگ علیه استعمارگران انگلیس بهترین همکار مردان بوده اند. حتی در جنگ میوند زمانیکه ارتش افغانستان به شکست مواجه می شود این ملالی دختر قهرمان افغانستان بود که گام به جلو گذاشت و شکست را به پیروزی بدل نمود. تاریخ افغانستان مانند ملالی، ناهید، میرمن ببو، اسپینه ادی هزاران زن دلیر و قهرمان به یادگار گذاشته، متأسفانه که تاریخ مرد سالار جامعه همه فداکاری های زنان را بنام امیران ختم نموده است.

باید این تاریخ را تغییر داد و یاد خاطره زنان قهرمان را زنده نگهداشت. باید زنان تاریخ جامعه را رقم زنند و مانند ملالی ها و ناهیدها برای بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده دوشادوش مردان مبارز و انقلابی به مبارزه برخیزند. آزادی زنان فقط در گیرو این مبارزه و ایجاد جامعه دموکراتیک نوین است.

پیش به سوی مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی برای بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده.

میخواهم مقاله ام را با درود های گرم به زنانی که علیه افکار و عقاید کهنه، سنت و روابط عقب مانده به پا خاسته و بخصوص زنان شورشگری که شجاعانه در مبارزه علیه اشغالگران و رژیم های دست نشانده در میدان های نبرد جان های خویش را از دست داده اند آغاز کنم.

ما در قرن بیست و یک زندگی می کنیم، قرنی که امپریالیستهای اشغالگر همچو گرگ وحشی به جان خلقها و ملل ستمدیده افتاده و کشورهای شانرا به اشغال خویش در می آورند، و تلاش دارند تا مردم ستمدیده و بخصوص زنان را به برده گان بدون میهن تبدیل نمایند. اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی بیش از حد بر ستمگری خویش علیه مردم زحمتکش افزوده و به ویژه زنان این جامعه را در عقب مانده ترین و ظالماله ترین اشکال ستم اسیر نموده اند. چنانچه روزی نیست که از قتل، شکنجه، تهدید و ارباب به زنان حکایت در میان نباشد، روزی نیست که در یکی از نقاط کشور زنی به قتل نرسد.

در شرایط کنونی افغانستان لت و کوب، تهدید و ارباب به زنان به یک امر طبیعی تبدیل گردیده است، زیرا مسئله قتل و تجاوزات به زنان آنقدر ابعاد گسترده ای بخود گرفته که انواع دیگر ستم را تحت شعاع قرار داده است. چنین وضعیتی آرامش زنان را به هم زده آنها را در رعب و وحشت نگهداشته است. باید این وضعیت را بر هم زد و از بین برد. برای بر هم زدن این وضعیت به آگاهی و مبارزه نیاز است. بدون فرا گرفتن علم و دانش و مبارزه علیه جهل و خرافات نمی توان به این وضعیت اسفناک پایان داد. پس بر ماست که هر چه جدی تر به کسب علم و دانش پرداخته و آموخته های خویش را در عمل پیاده نماییم. دانشمندی که عمل ندارد از او هیچ کاری ساخته نیست. برای تغییر اوضاع به نفع همه مردم زحمتکش و بخصوص زنان ابتدا باید به دانش مسلح شد و سپس برای تغییر جامعه آنرا بکار بست.

## نقش و سهم زنان در انقلاب



ریشه این همه ظلم و تعدی در کجا نهفته است. آنها فکرمی کنند که این ستم از طرف مردها بالای شان تحمیل میگردد. اما به این نتیجه نرسیده اند که علت دیگر و بزرگتری در پشت قضیه قرار دارد که مردها را به این ستم وا میدارد و از آنها خشونت تبارز میکند و آن سیستم و نظام طبقاتی جامعه است.

زنان میتوانند مانند مردان در تمام عرصه های زندگی شامل کارزار سیاسی گردند و در بعضی از موارد حتی از مردها جلوتر روند. زنان آگاه و دانشمند ما که ضمیر شان با روشنی اندیشه های نوین منور است، بیشتر از مردان میتوانند قشر وسیع زنان ناآگاه و بی خبر از واقعیت های موجود اجتماعی را، با تبلیغ و تنویر به آگاهی لازم سیاسی برسانند و از حقوق حقه شان که مستلزم نجات جامعه است، آگاه نمایند.

زنان آگاه و دانشمند ما میتوانند بهترین مادران نمونه در تمام عرصه های اجتماعی باشند و با اعتقاد و ایمان راسخ برای بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی رژیم پوشالی به مبارزه برخیزند. چنین زنانی دقیقا که اولاد های جامعه را نیز سمت و سوی انقلابی داده و با تربیه

شکی نیست که زنان و مردان دو بازوی یک پیکره واحد اجتماعی اند که بدون یکی از اینها بخش دیگر این پیکره ناقص و ناتوان بوده و از عهده امورات زندگی اجتماعی بیرون شده نمیتواند اما زنان در جامعه بشری از دیر باز یعنی از قرنهای باین طرف، از سرآغاز عصر بردگی تا امروز شدیدترین و وحشیانه ترین فشارهای اجتماعی و انواع مظالم و ستم طبقاتی را متحمل گردیده اند. چنانچه زمانی بعنوان کنیز در خدمت اربابان قدرت و در حرم سراها نگهداری و فقط اسباب سرگرمی و لذایذ جنسی زورمندان و قدرتمندان بوده و در بازارها مانند متاع و اشیاء بفروش رسانیده می شدند. اما بعد از قیام های ضد برده داری در اروپا و شکل گیری جنبش های ضد برده داری و در نهایت گذار تاریخی از مرحله برده داری به فیودالیسم، زنان همانند مردان در چنبره مناسبات فیودالی گیر مانده و یکجا با زمین مانند شوهران شان به اربابان و مالکان اراضی تعلق پیدا کردند که وجود سرف ها در روسیه تزاری نمونه بارز این نوع وابستگی به حساب می آید.

اما انقلابات رهایی بخش در بعضی از کشورها، پره های شکسته این بال پرواز را در کبوتر آزادی، توانمند ساخت و به نجات رسانید که متاسفانه دیری نپائید و به شکست مواجه شد. امروزه زنان همانند مردان در زیر شلاق زندگی تحمیلی ستم ملی امپریالیستی و ستم طبقاتی زجر و تعدی می بینند، از آنها مانند عروسک در تبلیغات کالاها و تولیدات سرمایه داری استفاده میگردد و ستم مرد سالاری را به وحشیانه ترین شکل بدوش می کشند، اما تاهنوز نمیدانند که

سالم وضعیت اجتماعی را زینت می بخشند ، و در نهایت با بسیج همگانی، زنان همگام با مردان در تدارک برای برپایی یک انقلاب مردمی ، غرض اعاده حقوق همه استثمار شده ها ، ستم کشیده ها ، رنجبران و کارگران دوشادوش مردان می توانند به اشغال کشور پایان داده و رژیم پوشالی را از مسند قدرت به زیر کشیده و جامعه دموکراتیک نوین را ایجاد نمایند و بعد از آن با تلاش فراوان به سمت جامعه ای ایکه دیگر از آن نشانی از ستم نباشد به پیش روند.

زنان ستم دیده باید به خوبی درک کنند، تا زمانیکه به این وضعیت اسفناک پایان ندهند، این ستم پا برجا خواهد بود. برای تغییر این وضعیت باید به یک مقاومت ملی مردمی و انقلابی همه جانبه دست زد. از طریق چنین مقاومتی تحت رهبری پیش آهنگ طبقه کارگر می توان که زنجیر اسارت طبقاتی و ستم ملی امپریالیستی را برانداخت و تمام زحمتکشان به شمول زنان را از این وضعیت نجات داد.

به امید چنین روزی.

پیش از آنکه واپسین نفس را برآرم  
پیش از آنکه پرده فرو افتد  
پیش از پژمردن آخرین گل  
برآنم که زندگی کنم  
برآنم که عشق بورزم  
برآنم که باشم  
در این جهان ظلمانی  
در این روزگار سرشار از فجایع  
در این دنیای پر از کینه  
نزد کسانی که نیازمند منند  
کسانی که نیازمند ایشانم  
کسانی که ستایش انگیزند  
تا دریایم- شگفتی کنم- بازشناسم- که ام  
که می توانم باشم - که می خواهم باشم  
تا روزها بی ثمر نماند  
ساعت ها جان یابد  
لحظه ها گرانبار شود  
هنگامی که می خندم-هنگامی که میگریم-هنگامی که لب فرو می بندم  
در سفرم به سوی تو- به سوی خود ... که راهیست ناشناخته  
پرچار- ناهموار  
راهی که باری در آن گام می گذارم  
که قدم نهاده ام و سر بازگشت ندارم...  
بی آنکه دیده باشم شکوفایی گلها را  
بی آنکه شنیده باشم خروش رودها را  
بی آنکه به شگفت درآیم از زیبایی حیات...  
اکنون مرگ می تواند فراز آید  
اکنون می توانم به راه افتم  
اکنون می توانم بگویم که  
”زندگی کرده ام“...

احمد شاملو؛

## مسئول قتل فرخنده اشغالگران امپریالیست و رژیم پوشالی است



چادر برقع و محرم شرعی نمی توانستند حتی از خانه بیرون آیند. اگر زنی بدون چادر برقع و یا محرم شرعی در بازار دیده می شد با شلاق طالبان روبرو می گردید و حتی اگر همراه محرم شرعی بود و چادر برقع هم

بعد از فروپاشی رژیم مزدور نجیب و ایجاد دولت جهادی ها خانه جنگی های خانمانسوز ارتجاعی میان دو جناح رژیم جهادی ها به سردمداری مسعود و ربانی از یکسو و گلبدین از سوی دیگر در گرفت. سرانجام آی اس آی پاکستان به حمایت امپریالیست های امریکایی و انگلیسی طالبان را وارد این کارزار نمود. طالبان بنا به ناخوشنودی مردم از رژیم ارتجاعی جهادی ها و حمایت قوی خارجی توانست بر اریکه قدرت سیاسی افغانستان تکیه زند.

در زمان امارت اسلامی افغانستان زنان به شدیدترین وجه مورد ستم قرار گرفتند، دروازه های مکاتب به روی شان بسته شد، از رفتن به حمام محروم گردیدند، بدون

قتل نرسد و یا مثله نگردد و بدتر از همه که امروز زنان با توطئه و در ملاء عام توسط خیل زن ستیزان وحشی نیز به فجیع ترین شکل آن به قتل می رسند.

فرخنده دختر بیست و هفت ساله که از دارالعلوم عربی فارغ التحصیل گردیده و حافظ قرآن نیز بود و خانواده اش نیز یک خانواده مذهبی است، بناحق توسط ملای تعویذ نویس و مجاور زیارت شاه دو شمشیره متهم میشود که قرآن را آتش زده است. ابتدا مردم نظاره گر اند، اما کسی بنام شرف بغلانی برای اینکه مردم را تحریک نماید تا دختر را مورد حمله قرار دهند با فریاد با حضور مردم و پولیس به دختر حمله میکند و او را مورد لت و کوب قرار می دهد. جای اینکه مردم و پولیس دختر را از چنگال او نجات دهند و چون و چرای قضیه را از دختر پرسان نمایند، همچو حیوان وحشی به دختر حمله می نمایند و با مشت و لگد و چوب او را زیر ضربت قرار می دهند و حتی او را چند مرتبه از بام به پائین می اندازند. در این میان پولیس مزدور نظارگر اوضاع است و هیچ حرکتی انجام نمی دهد. دختر را چنان می کوبند که گوشت و استخوانش یکی می شود. شرف بغلانی و ملای تعویذ نویس به این کار بسنده نمی کنند از روی نعش دختر مظلوم موتر کورولا را چند مرتبه عبور می دهند و بعد مرده اش را که کاملاً برهنه گردیده است آتش می زنند تا آثاری از وی بجا نماند.

این است معنی واقعی آزادی زنان در زیر بال و پر اشغالگران و رژیم منحوس دست نشانده شان. اگر تا کنون زنان در خانه مورد شکنجه و عذاب و حتی قتل قرار می گرفتند، امروز در ملاء عام و بصورت گروهی مورد شکنجه و قتل قرار می گیرند.

ایاز نیازی خطیب مسجد جامع وزیر اکبر خان، خانم حسن زاده معین وزارت اطلاعات و کلتور و زلمی زابلی سناتور... از عمل شنیع ملای تعویذ نویس که هم قماش شان می باشد به دفاع بر می خیزند و عمل جنایتکارانه گروه وحشی را مورد تأیید قرار می دهند، در حالیکه آنها به خوبی می دانند که هیچ سندی دال بر سوختاندن قرآن وجود نداشته و به دست هم نیامده است. در چنین حالتی ایاز نیازی خطیب مسجد جامع وزیر اکبر خان به رژیم پوشالی اخطار می دهد که دنبال تعقیب و پیگرد عاملان قضیه نگردد، در غیر این صورت «مردم قیام خواهند کرد»!! زهی بی شرمی و سفاقت.

داشت، اما پایش معلوم می گردید باید ضربات شلاق طالبان را در پاهایش احساس می نمود.

امارت اسلامی طالبان با حمایت آی اس آی پاکستان و زیر نظر امریکا کار می نمود و تامین کننده منافع امریکا در منطقه بود، به این دلیل بود که امپریالیزم امریکا در مقابل جنایات طالبان و پایمال نمودن حقوق زنان لب به سخن نگشود و از کنار آن به سادگی گذشت. در حقیقت امر تمام اعمال جنایتکارانه طالبان در زمان امارت اسلامی مورد تأیید امپریالیزم امریکا قرار داشت.

اما زمانی که منافع امپریالیزم امریکا تقاضا نمود که در افغانستان حضور نظامی مستقیم داشته باشد، دست نشاندهانش را مورد خشم و نفرت قرار داد و با تهاجمات و تجاوزات همه جانبه افغانستان را اشغال نمود. در این زمان جهادی های شکست خورده و ملیشه های بدنام به عنوان لشکر پیاده اشغالگران عمل نمودند. امپریالیست های امریکایی بعد از دو ماه بمباران و راکت باران و کشتار ده ها هزار از مردم بیگناه و آواره شدن صدها هزار نفر، افغانستان را به اشغال خود در آوردند.

یکی از حيله گری های امپریالیست های اشغالگر برای تجاوز به افغانستان، شعار کاذبانه آزادی زنان از قید اسارت طالبان بود. گرچه با اشغال افغانستان زنان توانستند از خانه های شان بیرون شوند، به تحصیل و کار در خارج از خانه پردازند، اما وضعیت شان در مجموع بدتر از زمان امارت اسلامی طالبان گردید. گرچه در زمان طالبان زنان بیش از حد مورد ستم قرار داشتند، اما با وجود این همه ستم و فشار، تجاوزات گسترده و اختطاف زنان و دختران به این حد وجود نداشت و هیچگاه سراغ نداریم که در آن زمان دختران سه ساله مورد تجاوز قرار گرفته باشند. امروز در افغانستان اشغال شده، زنان و دختران با آنکه می توانند تحصیل نمایند و از خانه بیرون شوند هیچ مصئونیت ندارند. مسئول تمام این جنایات رژیم پوشالی و اشغالگران امپریالیست اند، زیرا جنایتکارانی که چنین عملی را مرتکب می شوند یا از جمله اراکین بلند پایه دولت اند مانند کبیر رنجبر... و یا اراکین بلند پایه دولتی پشت سر ایشان قرار دارند. روزی نیست که در اطراف و اکناف کشور زنی چه بصورت گروهی و یا غیر گروهی مورد تجاوز قرار نگیرد و یا از طرف پدر، برادر و یا شوهر به



آنجائیکه حرف های شان را پس گرفتند و معین وزارت اطلاعات کلتور در فیسبوکش از موضعی که گرفته بود اظهار ندامت نمود و اظهار کرد که عجلولانه تصمیم گرفته است. مگر این آقا زادگان کودک دبستانی اند و نمی دانند که چه می کنند؟ قضاوت را به خوانندگان می گذاریم.

دسته هشت مارچ زنان افغانستان عمل جنایتکارانه قتل فرخنده را شدیداً تقبیح مینماید و از زنان ستمدیده افغانستان میخواهد که فریب نیروهای وابسته به رژیم پوشالی، جامعه مدنی و دیگر نهاد های ارتجاعی را نخورند، زیرا در طول ۱۴ سالی که از اشغال کشور گذشته وعده و وعیدهای بیشماری برای زنان و توده های زحمتکش داده شده، اما هیچکدام شان عملی نگردیده است.

زنان افغانستان هیچ راهی برای رهایی از این وضعیت اسفناک ندارند جز مبارزه برای بیرون راندن نیروهای اشغالگر و سرنگونی رژیم دست نشانده، زیرا مسبب این همه بدبختی ها اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده شان و سیستم مردسالار جامعه می باشد. بدون بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده و محو کامل سیستم مرد سالار جامعه امکان دست یافتن به آزادی امکان پذیر نیست. این کار فقط از طریق مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی امکان پذیر است.

پیش به سوی مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی

مرگ بر اشغالگران

مرگ بر رژیم دست نشانده

و مرگ بر سیستم مردسالار

دسته هشت مارچ زنان افغانستان

۶ حمل ۱۳۹۴

موضعگری خطیب مسجد جامع وزیر اکبر خان، معین وزارت اطلاعات کلتور و زلمی زابلی به این معنی است که ملایان هر کاری را که می کنند آزاد اند و هیچ کس حق آن را ندارد که مقابل شان بایستد. موضعگیری خطیب اجیر و بقیه مزدوران و میهن فروشان اخطار جدی به زنان کشور است که باید مطیع و فرمانبردار باشند و هر کاری که علیه شان صورت می گیرد صدای شانرا نکشند در غیر این صورت وضع شان بهتر از فرخنده نخواهد بود. زنان باید این اخطار را جدی بگیرند و علیه اشغالگران، رژیم دست نشانده و ملاحای میهن فروش و اجیر به مبارزه جدی و بی امان برخیزند.

طوریکه شواهد می رساند دختر قرآن را نسوختانده و این یک توطئه بوده است. حال گیریم که این کار از وی سر زده باشد. آیا جزایش چنین است که خطیب مسجد جامع وزیر اکبر خان و بقیه میهن فروشان این قدر سفت و سخت پشت جنایتکاران ایستاده اند؟ شاید جناب خطیب و بقیه مزدوران پاسخ شان این باشد که جزای کسی که قرآن را بسوزاند این است. حال این سوال مطرح می شود، زمانیکه اشغالگران امریکایی در میدان هوایی بگرام چندین جلد قرآن را سوختاندند چرا علیه امریکایی ها موضع نگرفتند و مردم را دعوت به قیام نمودند؟ در این جا یک چیز به خوبی مشخص می شود که این عده ملایان و میهن فروشان به شمول سیاف، دین را در بدل پول به اشغالگران امپریالیست فروخته اند، و دین را فقط وسیله ای برای سرکوب مردم زحمتکش قرار داده اند تا از این طریق بهتر بتوانند به باداران اشغالگر شان خدمت نمایند. این وضعیت اسفناک این مسئله را بخوبی بیان می کند که بکار بردن کلمه "آزادی زنان" از طرف اشغالگران و رژیم دست نشانده چیزی جز فریب زنان نیست و در حقیقت امر به معنی بردگی زنان است نه چیز دیگر.

در چنین حالتی باید قتل فرخنده به مقاومت ملی مردمی و انقلابی علیه اشغالگران امپریالیست و رژیم دست نشانده که مسبب این همه بدبختی اند مبدل می شد، اما متأسفانه با ضعف نیروهای انقلابی این کار صورت نگرفت و میدان مبارزه را نیروهای لیبرال درون رژیم پوشالی در اختیار گرفتند و این مبارزه را به مبارزه بین لیبرال ها و بنیادگرایان درون رژیم دست نشانده تبدیل نمودند.

بنیادگرایان درون رژیم پوشالی در این مبارزه عقب نشینی نموده و حالت دفاعی به خود گرفتند، تا

## آزادی یا اسارت



«یک دیپلمات امریکائی گفت: طالبان احتمالاً مثل سعودی ها تحول خواهند یافت» او شرح داد که افغانستان بدل به مستعمره نفتی امریکا می شود، سود های کلانی برای غرب وجود دارد، اما مردم سالاری در آن وجود نخواهد داشت. زنان بطور قانونی شکنجه خواهند شد. او گفت: «با این قضیه می توان کنار آمد» مهر تأیید و اشنگتن بر رژیم طالبان به جای اتحاد شمال بخشی از «بازی بزرگ» و رقابت فزاینده میان مجتمع های روسی و امریکایی برای کنترل ذخایر نفت و گاز و مسیر های خط لوله از قزاقستان و ترکمنستان بود. در اوایل سال ۱۹۹۷، کارگزاران طالبان در دفتر یونیکال در تگزاس جلسه داشتند.» ( میشل شوسودوفسکی - جنگ و جهانی سازی واقعیت های پشت پرده ۱۱ سپتامبر - صفحات ۱۱۲ و ۱۱۳ )

امپریالیست ها بطور کلی با بنیادگرایان مخالف نیستند، بلکه هر زمانی که ممکن بوده از آنها در جهت تامین منافع شان سود برده اند. آنها از طریق بنیادگرایان مانع رشد جنبش های انقلابی، سکولاریستی و ناسیونالیستی میگردند. در هر جایی که بنیادگرایی رشد نموده نهادهای انقلابی، سکولار و ملی را بر انداخته و نهادهای بنیادگرا را جایگزین آن ساخته است. به همین سبب امپریالیزم معمولاً از بنیادگرایان پشتیبانی می نماید. افغانستان، عراق، لیبیا، سوریه... نمونه بارز این مدعا است. در واقع به همین خاطر است که هم اکنون اکثریت بنیادگرایان خادم و خدمتگذار امپریالیست های امریکایی و متحدین شان هستند.

"آزادی" یا "اسارت" واژه های تازه ای نیستند. آنچه تازه است کار برد این واژه ها می باشد. در افغانستان اشغال شده، امروز واژه "آزادی زنان" از مفهوم واقعی اش تهی گشته و اصالت خویش را از دست داده است. در جامعه ما امروز "آزادی زنان" را به این معنی ترجمه می کنند: آزادی یعنی بیرون شدن از خانه، حق رای دادن و حق انتخاب شدن. به این معنی که زنان باید دیگر سنت های مزخرف جامعه را بپذیرند و به آن تمکین نمایند. یا بعبارت دیگر زنان باید خانه داری را خوب بلد باشند، در مقابل شوهر تمکین نمایند و از تمام دساتیرش اطاعت کنند. این است معنی حقیقی آن "آزادی" ای که اشغالگران به زنان اعطا نموده اند. این ها همه آگاهانه و مغرضانه به خاطر به انقیاد کشانیدن زنان مطرح می شود. طرح این مطالب به کالا شدن زن بیش از پیش کمک می کند.

امروز رسانه های امپریالیستی و ارتجاعی چنان با رنگ و روغن از آزادی زنان سخن می گویند و چنان با صدای رسا از آزادی و استقلالیت زن سخن می رانند که زن یقین می کند که آزاد است. اما استعمال امروزی کلمه "آزادی زنان" که از طرف اشغالگران و رژیم پویشی مطرح می شود یک تقلب باطنی را در خود نهفته دارد. داد و فریاد هایی که امروز در مورد "آزادی زنان" در افغانستان به راه افتاده قصه طبل توخالی را به یاد می آورد.

اشغالگران امپریالیست می خواهند که با بکارگیری کلمه "آزادی زنان" اشغالگری خود را توجیه نمایند. آنها اصلاً اعتقادی به آزادی زنان ندارند. چنانچه در زمان امارت اسلامی طالبان امپریالیزم امریکا چشمش را به روی وحشت امارت اسلامی بسته بود و ستم بر زنان و پایمالی حقوق شان و اخراج زنان شاغل از سمت های دولتی و غیر دولتی و همچنین اجرای "قوانین جزای شرعی" را با سکوت مهر تأیید می زد. تأیید و حمایت امپریالیزم امریکا از رژیم طالبان در مخالفت با اتحاد شمال که تحت حمایت مسکو قرار داشت، بود. نیروهای مربوط به اتحاد شمال در آن زمان تجهیزات نظامی شان را از مسکو دریافت می نمودند و تا الحال تمایلات روسی دارند.

در آن زمان امپریالیزم امریکا فکر می کرد که از طریق طالبان می تواند جمهوری های پیشین "شوروی" را در محاصره گرفته و تحت کنترل قرار دهد و از این طریق مانع به توافق رسیدن این جمهوری ها با چین و ایران در مورد سرمایه گذاری های خط لوله نفت و گاز و یا دیگر قرار دادها گردد و این قرار دادها از طریق شرکت یونیکال بدست آید تا از این طریق هم رقبایش را کنترل نماید و هم سودهای کلانی به جیب زند.



آگاهی را کسب نماید می تواند نقش عظیمی در پیشبرد مبارزات انقلابی ایفا نماید.

زنان تحصیل کرده جامعه ما به دو دسته تقسیم می شوند. یک دسته که کاملاً معدود اند و خود را متجدد می دانند عروسک‌هایی در دست اشغالگران و رژیم پوشالی بیش نیستند. این ها کسانی اند که از ریاست تا وکالت و وزارت رسیده اند. این دسته از زنان نه مسئولیتی در قبال دیگر زنان دارند و نه هم هدف رسیدن زنان به آزادی را دنبال می کنند. این ها فقط یک هدف را دنبال می کنند، خدمت به اشغالگران و رژیم پوشالی. این زنان وظیفه خود را به هر قیمتی که باشد برای اشغالگران انجام می دهند. این دسته از زنان با همجنسان خود بدتر از مردان شوونیست رفتار می کنند. این دسته از زنان نیز نمی توانند از مدافعین حقوق زنان باشند، بلکه آنها در صف دشمنان عمده ایستاده اند که باید همراه با اخراج قهری اشغالگران از کشور و سرنگونی رژیم پوشالی از قدرت به زیر کشیده شوند.

دسته دوم زنان تحصیل کرده، زنانی اند که با گوشت و پوست خود ستم را لمس می کنند و از اشغال بیزار اند. یک عده از این زنان در کار سیاسی از خود بی تفاوتی نشان می دهند. این عده زنان اکثریت زنان تحصیل کرده جامعه ما را تشکیل می دهند. این دسته زنان نیز نیازمند به آگاهی سیاسی اند. با بالا بردن آگاهی سیاسی شان میتوان آنها را در کارهای سیاسی ضد اشغال فعال ساخت. باید این نکته را به خاطر داشته باشیم که اگر ما نتوانیم این زنان را به حرکت در بیاوریم اشغالگران و رژیم پوشالی در شوراندن آنها علیه ما موفق خواهند شدند. بنابراین توده های زن که تا کنون ساکت مانده اند باید به حرکت واداشته شوند.

تعدادی از زنان تحصیل کرده گام به جلو گذاشته و برای دفاع از حقوق زنان به مبارزه علیه اشغالگران و رژیم پوشالی و سیستم مرد سالار حاکم بر خاسته اند. این دسته از زنان از جان خود مایه می گزارند و سخت در تلاش اند تا سطح آگاهی سیاسی سایر زنان را بالا برند و بسیج شان نمایند و متحداً علیه اشغالگران و رژیم پوشالی مبارزه نموده و این مبارزه را تا بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی رژیم پوشالی ادامه دهند.

زنان آگاه، مبارز و انقلابی کاملاً در مقابل زنان تسلیم شده به اشغالگران و رژیم پوشالی قرار دارند. آنان آگاه به ستمی که بر زنان اعمال می شود و با درک رسالت تاریخی شان به مبارزه جدی و اصولی خویش برای بیرون راندن قهری نیروهای اشغالگر امپریالیست و سرنگونی رژیم دست نشانده و پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین ادامه می دهند تا جامعه در مسیر محو کلیه اشکال استثمار و ستم، منجمله ستم بر زنان، قرار بگیرد.

کسانی که امروز به معنی واقعی کلمه معتقد به آزادی زن هستند، علم مبارزه را علیه اشغالگران و رژیم پوشالی بر دوش کشیده و آنرا به جلو سوق می دهند. آنها خواستار آزادی نظریات نوین در کنار نظریات کهنه و فرتوت راجع به زنان نیستند، بلکه خواهان آنند که اولی را جایگزین دومی نمایند.

شعار "آزادی زنان" که امروز اشغالگران و رژیم پوشالی سر می دهند معنی واقعی آن بردگی زن است. زیرا این شعار تا کنون نتوانسته کوچکترین گره ای از مشکل اساسی زنان را باز نماید، بلکه آنها را بیشتر از پیش در معرض خطر قرار داده است.

روزی نیست که در اطراف و اکناف کشور زنی مورد تجاوز قرار نگیرد و یا از طرف پدر، برادر و یا شوهر به قتل نرسد و یا مثله نگردد. بدتر از همه این است که امروز زنان به فجیع ترین شکل یعنی بصورت گروهی نیز به قتل میرسند. این وضعیت اسفناک بخوبی بیان کننده این مدعا است که هدف اساسی اشغالگران و رژیم دست نشانده از بکار بردن کلمه "آزادی زنان" در حقیقت امر به بردگی کشاندن زنان است نه چیز دیگر.

آزادی به معنی واقعی آن عبارت از تساوی حقوق زن و مرد در تمام عرصه های زندگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است. زنان جامعه ما نه تنها از حقوق اقتصادی برخوردار نیستند، بلکه حقوق سیاسی و فرهنگی نیز از آنان سلب گردیده است. حتی حضور زنان در ساحه سیاسی و فرهنگی هم کاملاً کمرنگ است. آزادی زمانی معنی حقیقی و واقعی خود را می یابد که دیگر از انواع و اشکال ستم نشانی باقی نماند.

برای اینکه زنان افغانستان به آزادی برسند باید خود را دریابند و خود را بسازند. این ساختن و یافتن نه توسط تصویر کهنه دیروز میسر است و نه هم توسط نقابی که امروز اشغالگران و رژیم پوشالی بر چهره های قدیمی شان زده اند، بلکه زنان امروز احتیاج به آگاهی سیاسی دارند. از این طریق است که چهره اصلی، آگاه و مستقل خویش را می توانند درک نموده و دریابند.

سوال این جا است که کدام زن می تواند گام به جلو گذاشته و به دفاع از حقوق خویش بر خیزد؟ زن سنتی اسیر در بند اوهام و خرافات و یا زن متجدد عروسک نما که خود در انقیاد اشغالگران و میهن فروشان در آمده است؟ هیچکدام! زیرا زنی که فقط کارش کنیزی خانگی باشد و فقط نقش ماشین چوچه کشی را بازی نماید و آنچنان دربند اوهام و خرافات سیستم مرد سالار گیر افتاده باشد که طفل مریضش را با تعویذ و شوئیست "مداوا" کند هیچگاه نمی تواند گامی به جلو بگذارد، بلکه خودش بیشتر از همه نیاز به آگاهی سیاسی دارد. اما زمانی که این

## مسئول این همه جنایات کیست؟

پسربا دختر مخالفت می نمایند بچه هم به اساس دید مادر و فامیلش حاضر به ازدواج نمی شود. دختر از بچه تقاضای مجدد میکند که باید این ازدواج صورت گیرد و برای "آمرش" میگوید که اگر با وی ازدواج نکند از وی شکایت میکند. محمد عالم نام تصمیم میگیرد تا خود را از این درد سر نجات دهد و کار دختر جوان را یک سره نماید. در یک روز تعطیلی دختر را به کورس دعوت میکند و به داخل کورس او را خفه و به چاه داخل کورس می اندازد، بعد از آن یک موتر ریگ همراه سمنت در داخل چاه روی جسد دختر می ریزد. بعد از این واقعه کورس را تخلیه میکنند و کورسش را به محل قلبچه فعال می سازد. حویلی متذکره توسط بنگاه معاملات مجدداً به کرایه داده میشود و مستاجر جدید نسبت نبود آب از بنگاه تقاضای فسخ قرارداد را میکند. بنگاه معاملات وعده می دهد که چاه آب خانه را فعال کند. فردای آن روز که چاه کن را می آورد چاه داخل چاه می شود می بیند که داخل چاه پر از سمنت است فکر می کند که این سمنت ها از بابت موزاییک کاری صحن حویلی داخل چاه ریخته است. یک مقدار که داخل چاه کار می کند به جسد بر میخورد از چاه بیرون می شود و به مستاجر خانه و دفتر بنگاه معاملات قضیه را تعریف می کند، قضیه از طریق بنگاه معاملات به دولت اطلاع داده می شود. نماینده خارنوالی و پولیس به محل واقعه می رسند و از چاه کن می خواهند که کارش را ادامه دهد.

طبق اظهارات مردم محل وقتیکه چاه کن کارش را شروع می کند همراه تکه های سمنت توته های لباس زنانه از چاه بیرون می آید، آنوقت مردم محل همراه مامورین دولت مطمئن می شوند که جسد زن است، فوراً به جستجوی مسئول کورس بر می آیند با پرس و پال قبل از بیرون آوردن جسد محل جدید کورس را شناسائی می نمایند. زمانیکه جسد تکه پاره دختر از چاه بیرون می شود، پدر دختر که به محل واقعه رسیده جسد دخترش را می بیند جریان را به هیات بازگو می نماید و از آمر کورس شاکی میشود. طبق شکایت پدر دختر بالفعل آمر کورس دستگیر می شود و بعد از تحقیق به جنایتش اعتراف می نماید. دوسیه اش از طرف پولیس و خارنوالی تکمیل می گردد. فعلاً پدر دختر منتظر حکم دادگاه است.

اگر دیروز لت و کوب و ارباب زنان به یک امر عادی تبدیل گردیده بود، اما امروز تجاوزات جنسی گروهی و غیر گروهی، مثله نمودن و قتل زنان در افغانستان اشغال شده به یک امر عادی و روزمره تبدیل گردیده است. روزی نیست که مثله نمودن، تجاوزات گروهی و غیر گروهی و قتل زنان سرخط رسانه ها نباشد.

جامعه ایکه اشغال گردیده و از لحاظ سیاسی - اجتماعی و اقتصادی در فساد غوطه ور باشد، از لحاظ فرهنگی نیز فاسد می گردد. افغانستان اشغال شده امروز یکی از فاسدترین کشورها در جهان می باشد و به همین ملحوظ از لحاظ فساد در صدر قرار دارد.

فقر، بدبختی، بیکاری، ناامنی و بمباران کور، قوس صعودی خود را می پیماید و روز به روز وضعیت زندگی توده های زحمتکش بدتر شده می رود و بدتر از همه اینکه تجاوزات گروهی و غیر گروهی و قتل زنان بطور وحشیانه بر زنان تحمیل می گردد. مسببین اصلی چنین قضایایی اصلاً محاکمه نمی شوند، زیرا پشت این جنایات رژیم پوشالی ایستاده است. مسبب اصلی این همه جنایات اشغالگران امپریالیست و مز دوران میهن فروش شان می باشند.

دو روز قبل یک دختر جوان به شکل فجیعی در ناحیه نهم شهر هرات به قتل می رسد. گزارشات حاکی از آن است که:

یک باب حویلی واقع اول کوچه دیوانچه مربوطه ناحیه نهم شاروالی هرات هفت ماه قبل به اجاره یک کورس بنام "پیام مادر" از طریق بنگاه معاملات آن محل داده می شود. آمر کورس بنام محمد عالم همراه یک دختر بنام فریبا بنت عبدالمعروف که از جمله متعلمین وی بوده است به بهانه اینکه با تو ازدواج می کنم ارتباط برقرار میکند. این روابط بطور استمراری دوسه ماه ادامه دارد. دختر از بچه (آمرش) تقاضای ازدواج مینماید، آمر کورس به دختر وعده می دهد که مادرش را به خواستگاری روان می کند زمانیکه مادر بچه به خواستگاری دختر میرود، فامیل بچه، فامیل دختر (چون فامیل غریب است) را نمی پسندند و با ازدواج

جنایات هولناک علیه زنان در سرتاسر افغانستان اتفاق می افتد. این آمار واقعا تکان دهنده است.

زنان افغانستان باید این نکته را درک کنند که رهائی از این وضعیت اسفناک ممکن نخواهد بود، مگر با مقاومت همه جانبه ملی مردمی و انقلابی. ایجاد چنین مقاومتی از طریق بسیج همگانی زنان و پیوند خوردن شان با مردان انقلابی امکان پذیر است. بیرون راندن قهری اشغالگران و سرنگونی رژیم دست نشانده و ایجاد جامعه نوین از طریق چنین مقاومتی تحت رهبری پیش آهنگ طبقات محروم جامعه میسر خواهد بود. این جامعه نوین است که هرچه سریعتر به سوی محو کلیه امتیازات طبقاتی حرکت می نماید، در چنین صورتی است که نه تنها زنان بلکه مردان نیز از ستم نجات می یابند.

پیش به سوی مقاومت ملی مردمی و انقلابی.

مرگ بر اشغالگران و رژیم دست نشانده.

۱۸ حمل ۱۳۹۴ خورشیدی

با جرات می توان گفت که اگر قاتل یک شخص پول دار و یا وسیله دار باشد قضیه قتل فریبا مانند هزاران دوسیه دیگر بایگانی خواهد شد و این قضیه بدون سر و صدا به خاموشی خواهد گرائید.

از اول سال جاری تاکنون یعنی در ظرف شانزده روز این سومین زنی است که در ولایت هرات به قتل رسیده است یعنی تقریبا در شش روز یک قتل. در این محاسبه خود سوزی، سوختاندن زنان و تجاوزات جنسی محاسبه نگردیده است. اگر این حادثات را هم در ولایت هرات به محاسبه بگیریم دقیقا که این آمار دو حادثه در روز می رسد. حال این آمار را در تمام ولایات افغانستان بصورت تقریبی محاسبه می کنیم.

آمار خودسوزی، سوختاندن، تجاوزات گروهی و غیر گروهی و قتل زنان در ولایات هرات، کابل و مزار از دیگر ولایات بالاتر است، بدین اساس محاسبه این جنایات را در تمام ولایات نمیتوان تطبیق نمود. حال اگر این محاسبات را در دو روز یک واقعه در هر ولایت محاسبه کنیم، به هر دو روز ۳۴ واقعه یعنی در هر روز ۱۷ واقعه

بر توت برشت مینویسد:

« تو میگوی: مدت دراز امیدوار بودم. دیگر نمی توانم امیدوار باشم...»

به چه دل بسته ای؟

به اینکه جنگ، آسان است؟

این سخن مقبول نیست

روزگار ما از آنچه می انگاشتی بدتر است

روزگار ما چنین است:

اگر ما کاری را مردانه انجام ندهیم معدومیم.

اگر نتوانیم کاری کنیم که هیچ کس از ما انتظار ندارد

از دست رفته ایم

دشمنان منتظرند

تا خسته شویم

هنگامی که نبرد در شدیدترین مرحله است

و جنگجویان در خسته ترین حال

جنگجویانی که خسته ترند

شکست خوردگان صحنه ی نبردند»

آنچه در ذیل میخوانید، گزارش برگزاری محفل روز جهانی کارگر است که توسط "هسته کارگری مبارز افغانستان" در اول می امسال روی دست گرفته شده است و در وبلاگ شان به نشر رسیده است. این گزارش مورد تایید ما قرار دارد به همین خاطر بدون هیچگونه تبصره ای بر متن آن، درین شماره از نبرد زن منتشر میگردد.

## گزارش برگزاری روز جهانی کارگر

اول می ۲۰۱۵ (۱۳۹۴)

میان تمامی کارگران، محرومان و ستم دیدگان، نه تنها در افغانستان بلکه در سراسر جهان طنین انداز می شود... روز جهانی کارگر روزی است که کارگران باید هویت طبقاتی و نقش بین المللی خویش را به نمایش بگذارند و در سطح جهانی و یکایک کشورهای جهان، تحت رهبری پیشاهنگ انقلابی خویش بخاطر رسیدن به جهانی بری از هر گونه استثمار و ستم در جهان حرکت نمایند.»

به تعقیب آن یکی از اشتراک کنندگان، تاریخچه اول می را به خوانش گرفت و در مورد تجلیل قلبی این روز توسط امپریالیست ها و مرتجعین چنین بیان نمود: «امپریالیست ها و مرتجعین و خائنین رنگارنگ به طبقه کارگر جهان سعی دارند روز تاریخی اول می و نبرد کارگران شیکاگو را طوری نمایش دهند که برای نظام استثمارگرانه حاکم بر جهان بی ضرر باشد. در راستای تأمین این هدف شوم، آنها مضمون، اهداف و جهت گیری انقلابی روز جهانی کارگر را می پوشانند و حقایق مربوط به این روز را وارونه جلوه می دهند. بدین جهت یکی از ملزومات بزرگداشت درست و شایسته از روز جهانی کارگر این است که حقایق مربوط به آن را بصورت شفاف و روشن مطرح نماییم و به پیشگاه کارگران و سائر زحمتکشان و تمامی آنهایی که خواستار رهایی کل نسل بشر از زیر یوغ ستم و استثمار اند ارائه کنیم.»

در طول مدت ۲ ساعتی که محفل دوام نمود، چند مقاله خوانده شد و چند شعر دکلمه گردید. در تمامی مقالات اشغال افغانستان توسط امپریالیست ها به رهبری امپریالیسم امریکا، سرهمبندی رژیم دست نشانده توسط آنها و هم چنین امضای پیمان امنیتی میان این رژیم و اشغالگران امریکایی به شدت تقبیح گردید.

جالب از همه این بود که یک دختر جوان به نمایندگی از

بازهم روز اول می روز جهانی کارگر فرا رسید. این روز را تمامی کارگران و نیروهای انقلابی در سراسر جهان تجلیل می نمایند تا یاد و خاطره جانباختگان این روز را که بخاطر بدست آوردن حقوق شان در شهر شیکاگو و بقیه شهرهای امریکا به خاک و خون غلطیدند گرامی بدارند. این روز را هسته کارگری مبارز افغانستان نیز دریکی از تالارهای شهر... تجلیل نموده بود.

وقتی که وارد این تالار گردیدم چشمم به شعاری افتاد که در آن نوشته شده بود: «کارگران و رنجبران، تولید کنندگان اصلی تمام ثروت های جهان اند.» این شعار در قسمت زینة ورودی تالار نصب گردیده بود. خواندن این شعار قبل از ورود به داخل تالار برای افرادی که داخل تالار می گردیدند یک نوع روحیه مبارزاتی ایجاد می نمود. زمانی که داخل تالار گردیدم دیدم که دیوارهای تالار با شعارهای انقلابی مزین گردیده است. در قسمت پیش روی ستیز، شعار «کارگران افغانستان باید مستقلانه متشکل شوند» نصب گردیده بود که جلوه خاصی داشت.

در عقب میز مجری برنامه شعار «در اول می امسال کارگران سخن می گویند» با آرم هسته کارگری مبارز افغانستان نصب گردیده بود که توجه حاضرین در تالار را بخود جلب می نمود. موسیقی نرم و آرام انقلابی گوش ها را نوازش می داد و روحیه مبارزاتی ایجاد می نمود.

محفل به ساعت ۳ بعد از ظهر شروع گردید و مدت ۲ ساعت دوام نمود. در این محفل در حدود ۱۲۰ نفر اشتراک نموده بودند که اکثریت آنها را کارگران تشکیل می داد. در ابتدای محفل، مجری برنامه که یک دختر جوان و پر شور انقلابی بود، از تشریف آوری مهمانان قدر دانی نمود و بعد پیرامون روز جهانی کارگر صحبت نمود و گفت: «در چنین روزی، اندیشه و عمل طبقه کارگر در

نشان ساخت که در مدت این ۱۴ سال وضعیت زندگی کارگران روز بروز بدتر و وخیم تر گردیده است و بیشتر کارگران وادار به ترک کشور گردیده و آواره سائر کشورها شده اند.

قطعنامه، امضای توافقنامه امنیتی ننگین را به شدید ترین وجه تقبیح نمود و با صراحت بیان نمود که: «امضای توافقنامه امنیتی ننگین از نظر ما جز میهن فروشی چیز دیگری نیست. ما نه تنها امضای این پیمان ننگین را به شدت تقبیح می کنیم، بلکه اعلام می نماییم که این توافقنامه در ضدیت با منافع علیای کشور و مردمان کشور قرار داشته و از این منظر در نزد توده های زحمتکش افغانستان هیچگونه مشروعیت و قانونیت ندارد.»

قطعنامه نه تنها روی اخراج فوری و بی قید و شرط اشغالگران از افغانستان به عنوان یکی از خواست های اساسی هسته کارگری مبارز افغانستان قاطعانه تاکید نمود، بلکه یکی از خواست های اساسی دیگر هسته یعنی ایجاد دولت ملی مردمی و انقلابی در افغانستان را نیز چنین بیان نمود:

«مردم افغانستان به یک دولت ملی مردمی و انقلابی مدافع استقلال افغانستان و حافظ آزادی ملی مردمان افغانستان که طبق ارزش های دموکراسی مردمی به وجود بیاید و عدالت اجتماعی را در ضدیت با استثمار، ستم ملی و ستم جنسی تامین نماید، نیاز دارند و باید برای ایجاد و استقرار آن مقاومت و مبارزه نمایند.»

در شرایط کنونی افغانستان، کارگران در وضعیت بسیار ناگوار و بد بسر می برند و اکثریت مطلق کارگران و فارغان مکتب ها و پوهنتون ها از بیکاری در رنج اند. این وضعیت بد زندگی و بیکاری بیش از حد در کشور، در محفل تجلیل از روز جهانی کارگر توسط شرکت کنندگان در محفل بخوبی بیان شده و به روشنی توجه حاضرین در تالار به سوی این مشکل اجتماعی بزرگ فعلی جامعه افغانستان جلب گردید.

محفل به ساعت ۵ عصر با کف زدن های حاضرین در تالار خاتمه یافت.

گزارشگر هسته کارگری مبارز افغانستان

اول می ۲۰۱۵ (۱۱ ثور ۱۳۹۴)

۲۴۸ دهقان زن زعفران کار از ولسوالی ..... در این محفل شرکت نموده بود. او چگونگی ایجاد سه انجمن زنان زعفران کار و نحوه کارکرد شان، معلوماتی ارائه نمود که توجه زیاد حاضرین در تالار را بخود معطوف داشت. این دختر جوان نقش اتحادیه های وابسته به رژیم پوشالی در ولسوالی ... و نقش کلی رژیم را در مقابل انجمن زنان این گونه مورد ارزیابی قرار داد: «گرچه از طرف اتحادیه بارها مطرح شده است که در صورت پیوستن به این اتحادیه کمک های شایانی از طرف رژیم صورت خواهد گرفت، اما حقایق ثابت ساخته است که نه تنها اتحادیه ها بلکه رژیم نیز هیچگونه کمک و همکاری را با دهقانان و گردانندگان اتحادیه نداشته است. اتحادیه ها صرفاً تشکلات سمبولیک هستند که هیچ سودی برای دهقانان در پی نداشته و ندارند.» او در پایان صحبتش نظرش را در باره هسته کارگری مبارز افغانستان و فعالیت هایش چنین ابراز نمود: «به نظر من هسته کارگری مبارز باید برای پیوند دادن مبارزاتی هسته های کارگری و دهقانی تلاش کند و این تلاش را جزء مهمی از برنامه های کاری خویش به حساب آورد، زیرا هر نوع حرکت کارگری شهری که بدون پیوند مبارزاتی با دهقانان و کارگران روستایی باشد و هر مبارزه برحق کارگری - دهقانی که مستقلانه به پیش نرود، تلاش بیهوده بوده و در پایان به منزوی شدن خود کارگران شهری منجر خواهد شد.»

چند سرود انقلابی توسط گروه هنری هسته کاری مبارز افغانستان اجرا گردید. این سرود های انقلابی، حاضرین در تالار را کاملاً به وجد آورد و رنگ و بوی تازه ای به محفل بخشید.

یک جوان کارگر به نمایندگی از کارگران کوپی کش و کفاش یک پیام تبریکی به مناسبت روز اول می داشت و با اظهار قدردانی از هسته کارگری مبارز افغانستان بیان داشت: «تشکر از هسته کارگری مبارز افغانستان که زمینه را برای چنین گرد هم آیی مساعد کرده تا انعکاس دهنده واقیعت های زندگی پر درد و رنج کارگران افغانستان بوده و آن را به گوش جهانیان برسانند»

در اخیر محفل قطعنامه هسته کارگری مبارز افغانستان توسط یکی از کارگران به خوانش گرفته شد که با کف زدن های ممتد بدرقه گردید. قطعنامه، عمر ننگین چهارده ساله رژیم پوشالی را به بررسی گرفت و خاطر

### زنجیر نان

رفیق بیل و داسم من، نه شاگردم نه استادم  
 غم نان کرده زنجیرم، دیگر آزاد آزادم  
 پر از ترکیده گی پایم، اسیر خستگی هایم  
 درون غم کلان گشتم، ولی خوشحالم و شادانم  
 اگر چه سرد و خاموشم، نه تنها چشمم و گوشم  
 درون شعله میجوشم، پر از آواز و فریادم  
 نرفتم پیش این و آن برای لقمه ی از نان  
 همیشه کارگر بودم، من از آبا و اجدادم  
 نرفتم پیش این و آن نگفتم خان، نگفتم جان  
 شکم را سنگ می بندم، ولی مانند شمشادم  
 نباید خم کنم سر را به پیش هر کس و ناکس  
 که هر آزاده ام داده همین یک درس را یادم

### دهقان

منم دهقان که انگشتان دستم

ندارد همدمی جز دسته داس

کف دستم پر از ترکیدگی ها

درخشد گندم مانند الماس

گهی در دستهایم دسته بیل

سرود سبز گندم میسراید

گهی دوتار دل آرام آرام

غزل در عشق مردم میسراید

زمین در لرزه می افتد شب و روز

به زیر پنجه های آهنینم

گهی بیل و گهی داسم بدستم

که حقا مالک اصل زمینم

ولی افسوس چون در طول عمرم

نشد یک لحظه دهقان نباشم

نشد یک لحظه دهقان باشم

اما اسیر طعنه های خان نباشم

نشد یک لحظه دهقان باشم

اما نباشم گشنه و بی نان نباشم

به مثل آهوی افتاده در دام

ندیدم طعمه گرگان نباشم

تمام عمر جان کندم ولی هیچ

ندیدم لذت طعم پلو را

میان کلبه دهقانی خود

ندیدم مزه یک سقف نو را

الا ای داس! داس باوفایم

از این پس شغل دیرینت بدل کن

مکن گندم درو چون حاصلی نیست

معمای غم دهقان تو حل کن

الا ای بیل! ای یار قدیمی

بده با طرح نو دستی بدستم

زمین را زیر و رو کن بهر دهقان

مده با حيله های خان شکستم

بده با طرح نو دستی بدستم

که ننشینم به امید تباهی

نشد حاصل بجز خون دل و غم

نشد حاصل بجز درد و سیاهی

زمین را زیر و رو کن گندم و جو

برویان تا دل دهقان بخندد

درون سفره بی نان از این پس

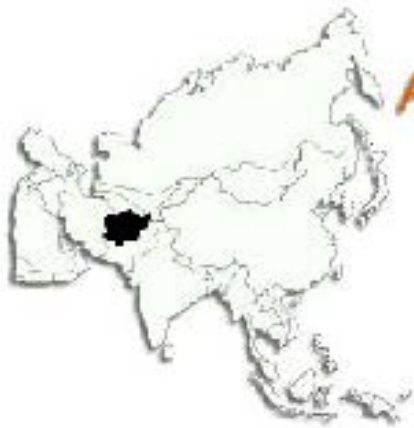
بروی هر گرسنه نان بخندد

بده با طرح نو دستی به دستم

که سیرابش کنم هر بزرگشتم

کنم حک بر سر هر سنگ میهن

مسیر سرخ رنگ سرنوشتم



AFGHANISTAN



وظایف مبارزاتی جنبش زنان در افغانستان را می توان به ترتیب ذیل بیان نمود:

۱- اولین وظیفه و وظیفه عمده جنبش زنان در افغانستان، مبارزه علیه اشغالگران و رژیم دست نشانده و بصورت مشخص مبارزه علیه برانده های اشغالگران آنها در مورد زنان است. جنبش زنان یک جنبش مبارزاتی حق طلبانه و عادلانه ضد شوینستی و ضد تم است و نباید اجازه داد به مثابه کروکافی توسط اشغالگران و حائنین ملی مورد سوء استفاده قرار بگیرد.

۲- مبارزه علیه اشکال مختلف شوینزم مردسالار که تحت نام های مذهب، سنت، تقدس خانواده و غیره اعمال می گردد، به مثابه وظیفه خاص جنبش زنان.

۳- مبارزه برای کسرتن جنبش سیاسی سکولار در جامعه مبتلا به نیاوکرای پی خد جانبه افغانستان، یکی از وظایف مهم مبارزاتی جنبش زنان را تشکیل می دهد. بنیاد کرای، چه در چهره رژیم دست نشانده خود نشان دهد چه در چهره طالبان و نیروهای مشابه آن، برای جنبش زنان زهر کشنده است و این جنبش پنج چاره ای جز مبارزه جدی و پیکر علیه آن ندارد.

۴- جنبش مبارزاتی زنان، چنانچه نخواهد دور نامی نابودی کامل تم بر زنان و سرنگونی کامل شوینزم مردسالار را نصب العین خود قرار دهد، باید به مثابه بخشی از مبارزه برای سرنگونی کامل نظام استعمارگران و سئوگزار موجود و برقراری یک نظام عادلانه بجهتگیری اش به سوی رفع هرگونه استعمار و تم باشد، پیش برده شود. از بنجتم جنبش مبارزاتی زنان باید در پیوند فشرده و ارتباط متقابل تکلیف با مبارزات طبقاتی زحمتکشان علیه استعمار طبقاتی و مبارزه علیه تم ملی شوینستی قرار داشته باشد.

۵- تجارب دست آمده در طول بیستاد سال اخیر در افغانستان نشان داده است که جنبش زنان تا زمانی که از بالاداسن زده شود و قشر کوچکی از زنان را در بر بگیرد، سود چندانی برای توده های زنان نخواهد داشت و وضعیت آنها را اساساً تغییر نخواهد داد. از بنجتم کلاً لازم است که برای توده های سائق جنبش مبارزاتی زنان تلاش و کوشش مستمر و پیکر به عمل آید. جنبش مبارزاتی زنان نباید صرفاً یک جنبش مبارزاتی روشنگرانه باقی بماند بلکه کلاً لازم است که به یک جنبش مبارزاتی توده ای، که خیل عظیم زنان زحمتکش را آگاهی دهد و آنان را بسیج و سازماندهی نماید، مبدل گردد.

۶- جنبش مبارزاتی زنان افغانستان باید در پیوند فشرده با جنبش های مبارزاتی زنان سایر کشورهای جهان، بخصوص زنان کشورهای منطقه، پیش برده شود. جنبش های مبارزاتی زنان در کشورهای مختلف، بخصوص کشورهای منطقه، باید متقابلاً هم یکدیگر را حمایت و تقویت نمایند. این حمایت و تقویت متقابل هم جنبش مبارزاتی زنان در داخل این کشور و هم حرکت های مبارزاتی خارج کشوری زنان این کشور را در بر بگیرد.

بیانیه دهمه بهشت مارچ زنان افغانستان --- مارچ ۲۰۰۹



برای تماس با نشریه :

Email:

[nabardezan@gmail.com](mailto:nabardezan@gmail.com)

آدرس وبلاگ :

<http://dastazanaan.blogspot.ca>

نشریه نبرد زن از شماست ، امید در جهت  
پربار نمودن هر چه بیشتر نشریه با ما مکاتبه  
نمایید. نظرات، پیشنهادات و انتقادات  
خود را به ایمیل آدرس مکاتباتی فوق ارسال  
نمایید.